



دانشگاه جامع علمی کاربردی

مرکز فرهنگ و هنر واحد ۱۳ تهران

# هنر و رسانه

مدرس: سرکار خانم خوشنویس

سال تحصیلی ۱۳۹۶



❖ **مجموعه هنرهای زیبا به هفت دسته تقسیم می شوند:**

۱. هنرهای دستی: مثل مجسمه سازی، قالی بافی، منبت کاری، شیشه گری و ...
۲. هنرهای ترسیمی: مثل خط و نقاشی
۳. هنر موسیقی: چهار عنصر مهم در هنر موسیقی شامل: سازنده ی ساز، خواننده، رهبر گروه و آهنگساز.
۴. هنر معماری: هنری است که از طراحی، نقشه کشی، تا اجرای یک اثر هنری را شامل می شود و می خواهد فضا را در سه بُعد برای بیننده ترسیم کند.
۵. هنر حرکات نمایشی: مثل حرکات آکروباتیک، رقص و ...
۶. هنرهای ادبیاتی: مثل شعر، داستان، فیلم نامه، نمایشنامه و ...
۷. هنر سینما، فیلم و تئاتر: فیلم این قابلیت را دارد که تمام هنرهای ششگانه ی قبلی را می توان در آن نمایش داد به همین دلیل تأثیر بیشتری از سایر هنرها دارد.
۸. روابط عمومی

## ❖ تقسیم بندی هنر از لحاظ پیشینه

### ۱- هنرهای سنتی:

مثل نقاشی، خط و هنرهای دستی که از پیدایش بشر با وی همراه بوده اند و در طی قرون و اعصار تکامل یافته و عمدتاً شامل مفاهیم فرهنگی، مذهبی و آداب و رسوم را در برمی گیرند.

### ۲- هنرهای مدرن:

باید هنرمند قالب های نو و جدیدی پیدا کند، به نحوی هنرمند را وادار به نوگرایی می کند. مثل شعر نو در برابر شعر کلاسیک، هدف آن مثل هنرهای سنتی فقط ارائه ی لذت برای مخاطب نیست بلکه اهداف دیگری را در نظر دارد.

هنر مدرن با مسایل مذهبی به شدت مخالفت دارد، هنری است عقل گرا و خردگرا و معتقد است عقل و خرد می تواند انسان را به خوشبختی و سعادت برساند.

به موضوعات اومانیسم (انسان گرایی) خیلی اعتقاد دارد و انسان را در صدر همه ی کارهای خود قرار می دهد و انسان را موضوع مطلب و تجزیه و تحلیل خود قرار می دهد.

### ۳- هنرهای پُست مدرن:

این مکتب، مکتب مدرن را قبول ندارد و مخالف شدید آنست چرا که معتقد است خرد و عقل بشر را به خوشبختی و سعادت نرسانده است. معتقد است چیزی به نام حقیقت، جامعیت و عینیت وجود ندارد و مخالف آنست. این مکتب نسبی گراست و معتقد است که هر موضوع را باید در ظرفیت خود بررسی کرد.

پست مدرنیسم مخالف سلطه ی انسان روی محیط زیست است، و نیز مخالف برتری گرایی است و می گوید هر چیزی را باید بومی و محلی بررسی کرد.

## ❖ واقعیت های مهم در باره هنر

۱. هنر در زمان شکل می گیرد و وابسته به زمان است.
۲. نیروهای اجتماعی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اقتصادی در هنر تأثیر شگرف دارند.
۳. هنر هدف دارد و مانند آینه تلاش می کند تا برگردان تصویری از جامعه و تاریخ باشد. روابط عمومی نیز تلاش می کند تا آینه تمام نمای بیرون برای داخلی ها و داخل برای بیرونی ها باشد و کلیه نیروهای اجتماعی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و ... بر آن تأثیر دارد.
۴. جامعه بدون هنر پژمرده و مرده است.
۵. روابط عمومی از دل هنر پدید می آید و هر دو از یک جنس بشمار می روند. روابط عمومی شاخه ای از هنر نیست، بلکه روابط عمومی عین هنر است.
۶. هنر ضرورت یک جامعه است. ضرورتی است که در جهت رشد و باروری اندیشه ها و فرهنگ و زندگی، جاری و ساری است.
۷. هر نوع هنری حتی اگر از نوع سطحی ترین هنرها باشد، در صورتی که در خدمت فکر و اندیشه درآید قابل توجه است. اما اگر هنر در خدمت فکر و اندیشه نباشد، باید آن را فراموش کرد.
۸. هنر را نمی توان در قرنطینه نگه داشت. هنر همیشه پابرجاست. مثل یک کوه مقاوم و استوار است و فرهنگسازی می کند و زایش دارد.

۹. هنر باید ضمن حفظ جنبه های هنری خود، پیشگام مردم و جامعه حرکت کند . هنر نمی تواند پسگام مردم باشد. حتی هنری که همگام با مردم باشد هنر واقعی نیست. هنرمند باید بتواند از مردم پیشی بگیرد و به جامعه نگاه کند، او باید پیش قراول باشد. خطر کند و جان ببازد و لذت برد باختن را در آگاه کردن مردم پیدا کند و جامعه را بسوی بالا و بالاتر هدایت کند. هنرمندی که گام به گام با مردم حرکت می کند، هنرمند نیست. دستگاه ضبط کننده است. تکنولوژی است. تصویربردار و صدابردار است. صنعت است. هنرمند باید خلاقیت داشته باشد.

۱۰. هنر از دل مردم می جوشد. اما هنرمند چیزی به مردم می دهد که یا نمی دانند یا کمتر می دانند و معمولاً بی توجه از آن عبور کرده اند. هنرمند در دل مردم مکث ایجاد می کند. آنها را متوجه می سازد. آنها را به تفکر دوباره وا می دارد. آنها را به خانه تکانی فکر و اندیشه و دل وا می دارد.

۱۱. آثار هنری تجارب انسانی است که شکل گرفته اند و ما از دریچه حواسمان به آنها می نگریم و لذت می بریم. هر اثری براساس قواعد زمان و مکان و تمدنی خاص بنا شده است.

## ❖ انواع هنر

از نظر ارتباط با مخاطبین هنر به سه دسته تقسیم می شود:

### ۱- هنر متعالی:

هنری است که مربوط به جوشش استعدادهای درونی یک هنرمند می شود، دارای پیچیدگی است و برای همه قابل فهم نیست، پیروان آن کمتر است، گرانقیمت است، محدود است، قابل دسترسی نیست، مخاطب کمتری از آن لذت می برد، بیشتر مربوط به قشر نخبه، دانشمند، هنرمند و پولدار جامعه است، تخصصی و انفرادی است.

### ۲- هنر عامه پسند:

مربوط به قشر متوسط به بالای جامعه است، سرگرم کننده است، مردمی است، مخاطب را ارضاء می کند، هزینه ی کمی دارد، قابل دسترسی است، نیاز به جمع مخاطبان دارد، تخصص نیاز ندارد.

### ۳- هنر مبتدل:

فقط و فقط تجاری است، سطح بسیار پایینی دارد، از لحاظ مخاطب بعد از هنر عامه پسند قرار دارد، رسانه ها برای بدست آوردن منابع مالی و استمرار آن وابسته به آگهی، تبلیغات و بازخورد هستند بنابراین نیاز دارند که مخاطبانشان زیاد شوند، بنابراین روی به هنر مبتدل و هنر عامه پسند می آورند.



## ❖ هنرهای تجسمی

آن دسته از هنرهایی هستند که با چشم دیده می شوند و عینی هستند مانند: معماری، نقاشی، مجسمه سازی، سینما و عکاسی که هنرهای بصری هستند. ارتباطات تصویری از دوران نقاشی در غارها در دوران نخستین آغاز گردیده و سپس در طول سالها پیشرفت به شکل امروزی درآمده است.



## ❖ نقاشی



- نقاشی یا نگارگری فرآیندی است که طی آن رنگ بر روی یک سطح مانند کاغذ یا بوم ایجاد نقش می کند و اثری خلق می شود.
- فردی که این فرآیند توسط او انجام می گیرد، نقاش نام دارد.
- نقاشی یکی از رشته های اصلی هنرهای تجسمی است و قدمت آن به تشکیل زندگی اجتماعی انسان اولیه باز می گردد. نقاشی های یافت شده در غارهای محل سکونت انسان های اولیه، حاکی از آن است که اعضای نخستین اجتماعات انسانی با ترسیم نقش حیوانات و شکارشان به نوعی خود را آماده مقابله با محیط خارج از غار می کرده اند.



• هنر ارتباطی است که از طریق تصویر دیده و درک می شود که دارای پنج عنصر است:



○ نقطه

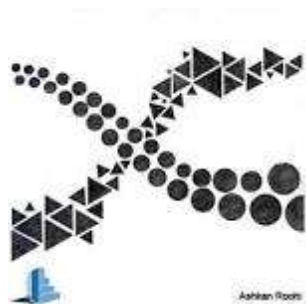
○ خط

○ شکل

○ جهت

○ رنگ

### ۱- نقطه:



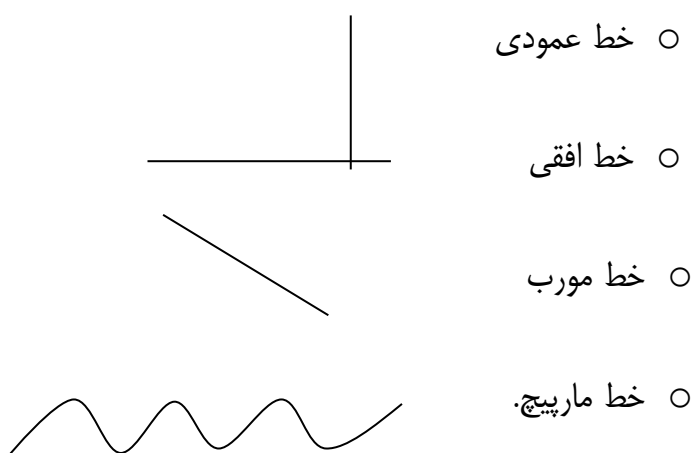
هر ضربه ای که به یک سطح وارد شود نقطه گفته می شود. در واقع نقطه، اثری است که با ضربه و گذاشتن و برداشتن آن ضربه بر یک سطح ایجاد می شود.



نقطه ها در کنار هم ایجاد نظم می کنند و به انسجام می رسند. چنانچه در کنار هم نیاشند و پراکندگی در نقاط وجود داشته باشد از یکپارچگی و انسجام خارج می گردند.

## ۲- خط:

از پشت هم قرار گرفتن نقاط، خط تشکیل می شود. پس در واقع خط تجمع پشت سر هم نقاط است. خطوط به صورتهای مختلف وجود دارند از قبیل:



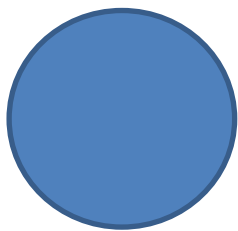
## انواع خطوط نماد:

خط عمودی	خط افقی	خط مورب	خط مارپیچ یا منحنی
انسان ایستاده، ساختمان، چارچوب، درخت	خیابان، انسان خوابیده، آسمان، دریا	سراشیبی کوه، سرسره	پیچ جاده، حرکت مار
استواری، ایستادگی، استقامت، قدرت	سکون، آرامش، تعادل، اعتماد	عدم تعادل، تحرک، خشونت، پویایی	نرمی، لطافت، ملایمت، سیال بودن

### ۳- اشکال:

اشکال به صورتهای مختلفی وجود دارند که به چند نمونه در زیر می پردازیم:

#### الف- دایره:



شکل کاملی است (به لحاظ دوران و چرخشی که ابتدا و انتها ندارد). حس

گردش، حرکت و چرخیدن دارد.

با دیدن اشکال دایره ای شکل، می توان به تکرار و حرکت جاودانه و مستمر در طبیعت پی برد.

مانند آنچه که در زندگی انسان در جریان است (آمدن شب و روز، هفته ها، فصلها و سالها).

بنابراین اشکال دایره ای شکل حس درون گرایی و بسته بودن را به انسان می دهند. همینطور

مانند خورشید، گرما، نور، زنده بودن، آرامش و بی انتها بودن را به انسان منتقل می کند.

#### ب- مثلث:

شکل ۱- مانند کوه، حس استواری



شکل ۲- حس ناپایداری، تزلزل، عدم نظم را ایجاد می کند. سطحی مهاجم و شکلی



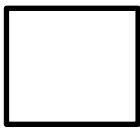
ستیزنده و حالتی متحول و پویایی دارد.

### ج- مربع:

از خطوط عمودی و افقی تشکیل شده است.

چهارخط (چهار ضلع و چهار زاویه مساوی) به دور هم که تشکیل یک چهارخانه را می دهد.

که مظهر قدرت زمین و سر پناهی امن می باشد.



اگر فضای آن خالی باشد نشانه ( فضا و حس منفی بودن)



و اگر یک چهارخانه پر باشد نشانه (فضای مثبت و حس بودن) را به انسان

می دهد.

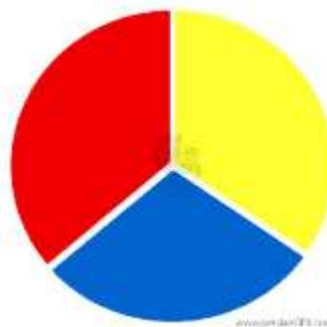
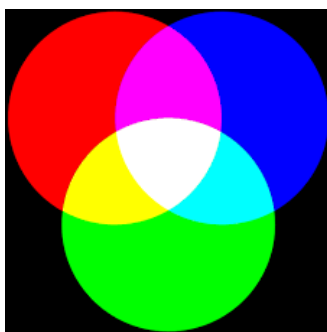
### ۴- رنگها:

رنگها برای مخاطبان حس های گوناگونی را به وجود می آورد.

در هنرهای تجسمی رنگ ها بسیار مهم و تاثیر آنها بسیار حائز اهمیت است.

رنگها در دو نوع سرد و گرم هستند. سه رنگ اصلی در رنگهای زرد، آبی و قرمز است که

رنگهای دیگر از ترکیب آنها به وجود می آید.



## الف - رنگ زرد:

نور، گرما، شک، تردید، بی اعتمادی و محتاط بودن به شخص را می دهد.



## ب- رنگ قرمز:

دارای حس جذابیت است و افرادی که به رنگ قرمز علاقمندند دارای اعتماد به نفس، خونگرم، رابطه خوب اجتماعی، زندگی پر از احساس و عاشقانه و دوستدار جامعه هستند.

گرما، نور، آرامش، خطر، فوریت یک امر، انقلاب، مبارزه، عصبانیت و نیز حالات محبت، زندگی، عشق و عاطفی را دارا می باشد.

از رنگ قرمز بیشتر در صنعت غذاسازی و دکوراسیون رستورانها به جهت جلب مشتری و نیز ایجاد اشتها استفاده می گردد.



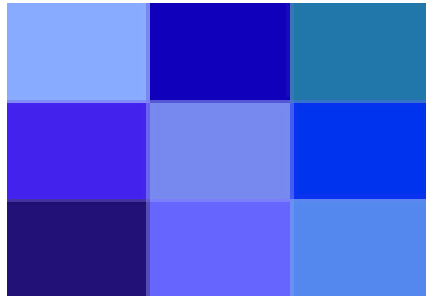


## ج- رنگ آبی:

سرد، درون گرا، بی حرکت و ملایم است.

از رنگ آبی بیشتر در محل هایی که مکان استراحت و آرامش است، استفاده می شود.

آبی، رنگی برای سکون، آرامش و خواب است.



## رنگ های درجه ۲ (فرعی)

که از ترکیب سه رنگ اصلی به وجود می آیند.

زرد + قرمز = نارنجی

زرد + آبی = سبز

قرمز + آبی = بنفش

و بقیه رنگها، رنگهای درجه ۳ نامیده می شوند.





## تأثیرات بصری و روانی رنگ ها:



**رنگ قرمز:** انرژی / هیجان / قدرت / نشاط

**رنگ آبی:** سرد / درون گرایی



**رنگ سبز:** رویش / طبیعت / فعالیت

**رنگ نارنجی:** بلوغ / نوجوانی / شادابی / وجد آور

**رنگ بنفش:** مرموز / ابهام آور



حال اگر کمی قرمز به آبی اضافه شود از حالت تحرک آن کم می شود و

اضافه کردن مقداری زرد به قرمز به حرارت آن می افزاید .

**رنگ زرد:** ناپایداری / شک / تردید/ بی اعتمادی

## ❖ عکاسی

در لغت به معنای فن عکسبرداری است و به عمل و شغل عکاس نیز گفته می شود. این هنر در اکثر زبان های جهان فتوگرافی (photo graphy) خوانده می شود که ترکیبی از دو کلمه یونانی:



فتو (photo) به معنای نور و گرافی (graphy) به معنی ثبت یا نگارش است. بنابراین، فتوگرافی به معنای نقش کردن با نور است.

### ثبت عکاسی عبارت است از:



عکاسی عبارت است از ثبت و ایجاد تصویر که در دو مرحله انجام می پذیرد:

**اول،** به دست آوردن تصویر به وسیله دوربین و ثبت آن روی نگاتیو یا گیرنده تصویر

الکترونیکی

**دوم،** ظاهر کردن تصویر مخفی حاصل از دوربین عکاسی و پایدار کردن آن.

در این فرآیند، دریافت و ثبت نور بر روی یک سطح حساس به نور، مانند نگاتیو یا گیرنده تصویر، باعث می شود الگوهای نوری بازتابیده یا ساطع شده از اشیاء بر روی سطح حساس به نور (نقره کلرید یا گیرنده) تأثیر بگذارد و باعث ثبت تصاویر شود.



عکاسی دارای سه جنبه علمی، صنعتی و هنری است.

به عنوان یک پدیده علمی متولد شد،

به شکل یک صنعت گسترش یافت.

و به عنوان هنر تثبیت شد.

## دومدل دوربین وجود دارد:

۱- دوربین آنالوگ و ۲- دوربین دیجیتال

### ۱- فرآیند دوربین آنالوگ:



نور ساطع شده از اشیاء به نگاتیو سبب ثبت تصویر در نگاتیو می شود.  
دوربین های آنالوگ حافظه، پردازشگر و سنسور ندارد.

### ۲- فرآیند دوربین دیجیتال:



پرتوهای نور به سنسور اصابت کرده و تبدیل به سیگنال های  
الکترونیکی شده و سپس به پردازشگر ارسال شده و سپس به دیتاهای  
دیجیتالی تبدیل شده و در نهایت در کارت حافظه ذخیره می شود.

## ساختمان یک دوربین:

۱- لنز: مجموعه ای از عدسی ها هستند که وظیفه ایجاد تصویر دقیق بر روی فیلم دوربین

آنالوگ یا حسگر (سنسور) دوربین دیجیتال را دارد.

۲- بدنه: جعبه و چارچوب اصلی است که در آن لنز، صفحه فیلم و یا در دوربینهای دیجیتال

سنسور در آن قرار دارد.

۳- **صفحه حساس:** اگر دوربین آنالوگ باشد صفحه حساس فیلم و چنانچه دوربین دیجیتال

باشد صفحه حساس را سنسور می گویند.

۴- **دیافراگم:** وظیفه تنظیم نور و عبور از آن را دارد. روزنه ای در دوربین است که کم و

زیاد کردن نور را برعهده دارد مانند مردمک چشم.

دیافراگم جزئی از لنز دوربین می باشد.

### دوربین های دیجیتال جانشین دوربین آنالوگ



مراحل زیر وظیفه ثبت عکس را در دوربین دیجیتال نمایش

می دهد و در دوربین آنالوگ کلیه این مراحل در فیلم عکاسی

رخ می دهد و فاقد پردازشگر و کارت حافظه می باشد.

پرتوهای نور ----- بر خورد با سنسور ----- تبدیل به سیگنالهای

الکترونیکی ----- ارسال به پردازشگر ----- تبدیل به دیتاهای دیجیتالی

----- در کارت حافظه ذخیره می شود.

## ❖ عکس و رسانه

هر عکس به عنوان یک رسانه باید ویژگی هایی به قرار زیر داشته باشد:

- ۱- داشتن پیام روشن و آشکار
- ۲- هر عکس باید پیام خاصی داشته باشد و هدفی را دنبال کند.
- ۳- پیام عکس باید با اهداف و محتوای آن همخوانی داشته و منطبق با آن باشد.
- ۴- عکس خوب باید دربینندگان پرسش ایجاد کند و ذهن را به کاوش برای فهم معنا وا دارد.
- ۵- عکس باید با قدرت درک و فهم مخاطبان هماهنگ باشد و با میزان سواد تصویری آنان منطبق باشد
- ۶- در عکس باید نشانه های جداگانه برای درک بهتر مخاطبان وجود داشته باشد.
- ۷- عکس نباید نیازمند توضیحات مفصل باشد.
- ۸- عکس باید واضح، روشن و قابل رؤیت باشد.
- ۹- موضوع عکس باید برجسته و مشخص باشد.

## ویژگی ها و کاربردهای عکس:

- ۱- عکس بدون شرح و زیرنویس خود می تواند یک خبر باشد.
- ۲- عکس تکمیل کننده خبر است.
- ۳- عکس خبر را مستند می کند و جان و روح به آن می بخشد.
- ۴- عکس خبر را برای خواننده یا مخاطب انتخاب می کند (یعنی ما در خیلی اوقات با دیدن عکس انتخاب می کنیم چه خبری را بخوانیم).
- ۵- عکس برای زیبایی صحنه به کار می رود و گاه نیز پر کننده صفحه است.

## ❖ سینما:



سینما شاخه ای از هنر است که در آن داستان با دنباله ای از تصاویر متحرک (فیلم) نمایش داده می شود. اثر سینمایی که به آن فیلم سینمایی می گویند، از عناصر تصویر (مجموعه ای از فریم ها) و صدا (گفت و گو، صدای زمینه و موسیقی) تشکیل شده است.



هر فیلم براساس فیلم نامه و یا سناریو و مجموعه ای از بازیگران، کارگردان، فیلم بردار و عوامل دیگر ساخته می شود.

سینما جدیدترین شاخه هنر، معروف به هنر هفتم است که امروزه، یکی از عمومی ترین و محبوب ترین تولیدات هنر تصویری را ارائه می دهد.

سینما همچنین به محل پخش عمومی فیلم سینمایی نیز گفته می شود.





## تفاوت های تکنیکی عکاسی و سینما:

**حرکت:** در عکاسی حرکت وجود ندارد. اما در سینما، مخاطب حرکت هنرپیشه ها را روی پرده می بیند.

**زمان:** در عکاسی زمان برای تماشای عکس نامحدود است. اما در سینما، تصاویر برای مدت زمان معینی برای مخاطب قابل رؤیت است.

**صدا:** در عکاسی مخاطب با صدا سر و کار ندارد. اما در سینما، صدا یکی از عمده ترین ابعاد مکمل تصویر محسوب می شود.

## اصول نقد فیلم

نقد فیلم بر دو دسته است:



۱- **نقد آکادمیک:** توسط محققان و اندیشمندان به صورت علمی

صورت می گیرد.



## ۲- نقد ژورنالیستی: صاحبان رسانه و روزنامه ها و رادیو و

تلویزیون انجام می دهد. در این نقد منتقد الزاماً روزنامه نگار نیست بلکه می تواند از اینترنت و ماهواره نیز کمک بگیرد.

همچنین نقد ژورنالیستی به زبان عامیانه نگاشته می شود.

آنچه از نقد در نظر اول به ذهن متبادر می شود، ایراد و اشکال گرفتن از یک کار یا اثر علمی و

هنری است، اما در واقع نقد نه ایراد و خرده گیری است نه اشکال تراشی، بلکه علم ارزیابی و

سنجش میزان اعتبار علمی یک اثر است که مانند سایر رشته های علمی، قواعد و اصول خاص

خود را دارد که به آن «نقد روش شناسی» گفته می شود.



## واژه نقد

### واژه نقد و نقد کردن:

در قدیم به معنای تعیین عیار سکه طلا و تشخیص سکه واقعی از سکه تقلبی بوده است، اما امروزه در یک مفهوم کلی به معنای قضاوت و ارزیابی درباره اعمال، افکار و آثار دیگران است و آنچه بیشتر از نقد به طور اخص مدنظر است.



سنجش و ارزشیابی دقیق و علمی درباره آثار و دستاوردهای علمی نویسندگان، هنرمندان و دانشمندان در تمامی حوزه های دانش بشری است.

نقاد می بایست نگاهی علمی داشته باشد و به علوم انسانی مانند: جامعه شناسی، ادبیات و روانشناسی مسلط باشد. زیرا یک فیلم به همه این عوامل بستگی دارد.



## در تحلیل فیلم بهتر است به چهار عنصر:

- ۱- شرایطی که پیرامون ایجاد هر فیلم وجود داشته است،
- ۲- تکوین و ساختمان فیلمنامه فیلم،
- ۳- مسائل خاص کارگردانی هر فیلم،
- ۴- و برآورد نتایج تجاری و هنری فیلم توجه شود.



## شاخه های سینما:

### الف- سینمای داستانی:

داستان گویی در سینما اهمیت ویژه ای دارد. طرح نمونه وار آثار ملودرام رسیدن به عشق و زندگی بهتر در پایان ماجرا به واسطه تلاش است.

سینمای وسترن فرزند نوعی اسطوره یا افسانه باوری میان انسانهاست. به طورکلی فیلم داستانی به بسط و پیشبرد یک طرح داستانی توجه دارد.

## ب - سینمای مستند:

سینما با سینمای مستند آغاز شده است.

فیلم مستند شرح و تفسیری است بر واقعیت یک مضمون و تنظیم دوباره آن.

سینمای مستند بر این اندیشه مبتنی است که از ظرفیت سینما می توان در مشاهده و گزینش از خود زندگی در یک شکل هنری نو و زنده بهره برداری کرد.



## تاریخچه سینمای مستند:

سینمای مستند با برادران لومیر آغاز شد.

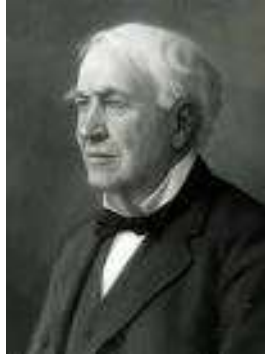
کارگران در حال خروج از کارخانه لومیر (۱۸۹۵) اگرچه از

نمایش این فیلم به عنوان تولد رسمی سینما وارد تاریخ شده، اما این «ثبت رسمی» امروز با تردیدهای زیادی روبرو شده است.

ورود لوکوموتیو بخار به ایستگاه در همان سال تولید شد.



سپس / ادیسون از مراحل کار خود در کارخانه فیلمبرداری کرد.



پس از آن رابرت فلاهرتی که آمریکایی بود در سال ۱۹۲۲ فیلم نانوک شمالی ( نانوک شمالی ) را ساخت که

۱۶ ماه در قطب زندگی کرد و از زندگی اسکیموها فیلمی تهیه کرده بود و پس از تدوین در سال

۱۹۲۲ این فیلم را پخش نمود.

صنعت سینمای مستند به دلیل ارزان قیمت بودن آن باب شد.



Robert Flaherty

## ❖ تاریخچه مستند در ایران



در سال ۱۲۷۸ شمسی معادل با سال ۱۹۰۰ میلادی

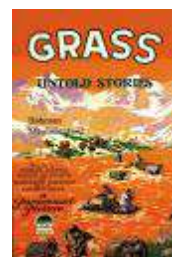


میرزا ابراهیم خان عکاس باشی به همراه مظفرالدین شاه در سفری به پاریس با صنعت سینما آشنا می شود و اولین فیلم مستند را از این سفر تهیه می کند.

او نخستین فیلم را در مراسم جشن گلها فیلمبرداری کرد و سپس همراه شاه به ایران بازگشت.

## علف

در سال ۱۳۰۳ شمسی معادل با سال ۱۹۲۴ میلادی فیلم مستند مردم نگاری با نام علف در خصوص فرهنگ بختیاری تهیه شد.



## خانه خدا

✓ در سال ۱۳۴۵ شمسی معادل با سال ۱۹۶۷ میلادی

✓ ابوالقاسم رضایی و جلال مقدم فیلم خانه خدا را تهیه و در سینما به اکران در آوردند و

باعث جذب مخاطبان بسیار شدند



## طبقه بندی انواع فیلم مستند:

✓ سیاحتگری ( سفرهای مارکوپولو)

✓ گردشگری

✓ اجتماعی

✓ علمی

✓ شاعرانه ( زندگی شاعران و فرهنگیان)

✓ تاریخ نگار

✓ قوم نگار





## عوامل فیلم:



- ✓ کارگردان
- ✓ تهیه کننده
- ✓ فیلمنامه نویس
- ✓ تدوینگر
- ✓ فیلمبردار
- ✓ طراح صحنه و لباس
- ✓ نورپرداز و.....

## رابطه و نقش عوامل مختلف فیلم:



بعد از کارگردان مهمترین عناصر هنری فیلم، فیلمنامه، بازیگران، تدوین و فیلمبرداری هستند. از این رو رابطه کارگردان با این چهار عنصر اهمیت بیشتری دارد.

- در زمینه فیلمنامه باید گفت که این کارگردان است که فیلمنامه را تفسیر می کند.
- و مسئول نهایی القاء حس ها و اندیشه ها در کار بازیگران هم کارگردان است نه بازیگران.

- در زمینه تدوین نیز کارگردان نوعی تدوین درونی را پس از تدوین، فیلمنامه در سر صحنه اعمال می کند. هر چند مراحل نهایی تدوین فیلم بر عهده تدوین گر است.

### مسئول نظارت بر کار تدوینگر در یک فیلم چند نفرند:



✓ نویسنده فیلمنامه

✓ کارگردان

✓ و تدوینگر



## ۱- کارگردان:

کارگردان پدید آورنده یک فیلم است .

کارگردان در تمامی مراحل تهیه فیلم از انتخاب فیلم نامه، انتخاب محل های فیلم برداری، گزینش تمام عوامل سازنده فیلم مانند گروه فنی و گروه هنری تا آماده شدن فیلم برای نمایش، حضور فعال و مستقیم دارد. پس از گزینش، رهبری آنها برای به وجود آوردن یک مجموعه هماهنگ را آغاز می کند. هر یک از عوامل فیلم باید به کارگردان، کارهای خود را توضیح دهند و در مقابل کارگردان نیز باید در برابر تهیه کننده پاسخگو باشد. هر کارگردانی شیوه فیلم سازی ویژه ای دارد.



کارگردان های بزرگ، هر یک سبک خاصی در فیلم سازی دارند و آثارشان را می توان با توجه به ویژگی های کار آنها شناخت.

کارگردان، اصلی ترین عامل تبدیل یک فیلم نامه به یک فیلم سینمایی، نمایش (تئاتر)، نمایش تلویزیونی (تله تئاتر)، فیلم پویا نمایی و سریال تلویزیونی است. به همین دلیل یک اثر تصویر متحرک را به نام کارگردان آن می شناسند.

مهم ترین کاری که یک کارگردان در جریان ساخت یک اثر تصویر متحرک انجام می دهد، حفظ  
تم اصلی کار در طی مراحل سه گانه پیش تولید، تولید و پس تولید است.



حرف اول را در فیلم های سینما کارگردان و در فیلم های

تلویزیونی تهیه کننده می زند.

او باید مدام با تمام عوامل فیلم در ارتباط باشد.

کارگردان فیلمنامه را می خواند و دکوپاژ (حذف و اضافه کردن قسمت های مختلف فیلمنامه)  
می کند.

در واقع با دکوپاژ جزء به جزء فیلمنامه را از نظر صدایی، مکانی و ... تغییر می دهد.

امکان دارد فیلمنامه از زمانی که به دست کارگردان می رسد تغییرهای متعددی می کند. در  
سینما کارگردان کلیدی ترین فرد است. کارگردان در پیش تولید، تولید و پس تولید فعالیت های

اجرایی درون فیلم را انجام می دهد.

## دو دسته کارگردان داریم:

✓ کارگردانی که خودش نوشته خود را کارگردانی می کند که به او هنرمند - کارگردان گفته می شود.

✓ کارگردانی که فیلمنامه توسط کس دیگری نوشته شده و او دکوپاژ می کند که به او متخصص - کارگردان گفته می شود.



## ۲- تهیه کننده:



تهیه کننده یک فیلم فرد یا سازمانی است (شخص یا اسپانسر)

که سرمایه و امکانات تهیه فیلم را تأمین و شرایط را برای درست

کردن فیلم فراهم می کند.

راه اندازی، هماهنگ سازی، رسیدگی و کنترل کارهایی از جمله جمع آوری پول مورد نیاز، به

کارگیری افراد کلیدی، انتخاب فیلمنامه، انتخاب بازیگران و این گونه کارها بر عهده تهیه کننده

است. تهیه کننده در تمام مراحل فرآیند فیلم سازی و برنامه سازی از توسعه تا تکمیل پروژه،

نقش دارد. تهیه کننده بر تمام مراحل ساخت فیلم نظارت دارد.

گاهی کارگردان، تهیه کننده نیز هست.

در فرایند برنامه سازی رادیویی و تلویزیونی، کلیدی ترین نقش را تهیه کننده اجرا می کند

برخلاف فیلم سازی سینمایی که در آن وظیفه ی مهم تشکیل فرم و ساختار فیلم اساساً متکی به

دانش و خلاقیت کارگردان است. در سینما تهیه کننده صرفاً سرمایه گذار است.



### ۳- فیلمنامه نویسی:

فیلمنامه متنی است که فیلم براساس آن ساخته می شود.

هر فیلمنامه شامل شرح صحنه و گفت و گوهای فیلم است.

فیلمنامه نویسی کاری چند مرحله ای است، که با یک فکر خاص، یک داستان یا رمان شروع می شود.

گاهی برای یک فیلم، فیلمنامه ای اختصاصی نوشته می شود و گاهی یک داستان به صورت فیلمنامه در می آید.

فیلمنامه پس از تنظیم نهایی به کارگردان سپرده می شود و کارگردان پس از مطالعه اثر و مطابقت آن با سلیقه و سبک خود، نسخه جدیدی از آن به وجود می آورد که به فیلمنامه مخصوص فیلم برداری مشهور است. درایران این مرحله را دکوپاژ (واژه فرانسوی) می گویند. تمام گفتگوها در آن گفته می شود. گفتگو همان دیالوگ های بازیگران در کل فیلم است.



#### ۴- تدوین گر:

به فرانسوی مونتهور (Monteur) و به انگلیسی ادیتور (Film editor) نیز خوانده می شود.

تدوین، کارگردانی مجدد یک فیلم محسوب می شود. به همین دلیل تدوین گر مستقیماً همراه با کارگردان مراحل تدوین را به انجام می رساند. تدوین گر به کسی گفته می شود که فیلم را تدوین می کند.

البته تدوین با مونتاژ تفاوت دارد.

اصطلاح مونتاژ صرفاً به مراحل فیزیکی چسباندن قطعات یک فیلم در کنار هم گفته می شود.  
در حالی که تدوین اصطلاحی فنی شامل اصول زیبایی شناسی برای کنار هم قرار دادن پلانها است. به گونه ای که حسی خاص را در مخاطب ایجاد کرده و ریتم مورد نظر کارگردان را به بیننده منتقل نماید.

تدوینگر باید به امور تولید اعم از کارگردانی تصویربرداری صدابرداری آشنا باشد، تا بتواند اشتباهات و یا اصلاحات را در تدوین به خوبی اعمال نماید. تدوینگر ماهر فردی است که آرشپو کاملی داشته باشد و از زیباشناسی تصویر به خوبی آگاه باشد.





تنها پس از آن که صحنه یا نمایی کامل شد و به دفعات دیده شد، می توان پی برد که فیلم کجا و چه موقع باید بُرش بخورد. کار تدوین با ترکیب کارگردان، فیلمنامه نویس و تدوینگر انجام می گردد.

ثانیه به ثانیه فیلم ادیت می شود. یکی از کارهای تدوین گر مونتاز فیلم است که به فیلم صدا، جلوه های ویژه، افکت و در آخر حس می دهد.

## ۵- بازیگران:

بازیگر سینما کسی است که نقش یکی از شخصیت های فیلم نامه را بازی می کند.



بازیگر زیر نظر کارگردان و با هدایت او نقش را ایفا می کند. کارگردان، نحوه لباس پوشیدن، چهره پردازی و صحنه ای را که باید بازیگر در آن نقش بازی کند، تعیین می کند.

بازیگران یک فیلم، نقش کلیدی در انتقال مفاهیم پنهان و آشکار به مخاطبان دارند. بازیگر کسی است که نقش هایی که درون فیلمنامه مطرح شده است را بازی می کند. بازیگر پوشش، نوع بیان، کارها و رفتارها، برخورد، گریم و ... زیر نظر کارگردان می باشد.

همه بازیگران به کارگردان پاسخگو هستند. کارگردان به بازیگران شخصیت پردازی موجود در

فیلم شان را می گوید و به آنها آموزش می دهد.

## ۶- فیلمبردار:



مدیر فیلمبرداری گروه فیلمبرداری را هدایت می کند و به وسیله

دوربین فیلمبرداری به ثبت صحنه های فیلم می پردازد. مسئولیت اصلی فیلمبردار به کارگیری

دوربین فیلمبرداری برای ثبت صحنه های مورد نظر کارگردان است.



فیلمبرداری اصلی ترین بخش تولید یک فیلم است و مدیر

فیلمبرداری شخصی کلیدی در تولید یک فیلم محسوب

می شود.

فیلمبرداری تهیه و ثبت مجموعه ای از نماهاست. نحوه فیلمبرداری، حرکتهای مختلف دوربین،

نحوه قرار گرفتن آن و دور یا نزدیک بودن نماها می تواند احساسات مختلفی را به بیننده انتقال

دهد.

امروزه مدیر فیلمبرداری شخصاً دوربین را کمتر هدایت می کند و بیشتر نحوه برداری و

نورپردازی را طراحی می کند و دستیارانش طرح های او را اجرا می کنند.

در اغلب فیلم ها از چند دوربین فیلمبرداری برای ثبت تصاویر استفاده می شود و هماهنگی بین

دوربین های مختلف برای استفاده درست از صحنه ها، از دیگر وظایف مدیر فیلمبرداری است.

هنگام ضبط صحنه ها، مدیر فیلمبرداری علاوه بر این که خود فیلمبرداری با یک دوربین را

برعهده دارد، گروه فیلمبرداری را نیز سرپرستی می کند

### کار مدیر فیلمبردار:

✓ نحوه فیلمبرداری ( ثابت - متحرک)

✓ زاویه فیلمبرداری ( از بالا به پایین یا برعکس)

✓ حرکت های مختلف فیلمبرداری

✓ هماهنگی بین دوربین ها



## ۸- طراحی لباس:

مردم شناسی جزء لوازم کار طراحی لباس است.

رنگهای لباس بهتر است همخوان با فضای فیلم، شخصیت پردازی و نوع روابطی که فیلم

می خواهد با تماشاگر برقرار کند باشد.



## ۹- نورپردازی:



نورپردازی توسط مدیر فیلم برداری انجام می شود، اما کاملاً با نظر کارگردان.

نورپردازی کمک می کند بافت ها جلوه گر شوند:

خطوط یک صورت، ظرافت تار عنکبوت، بافت زیر چوب، درخشندگی یک قطعه جواهر و...

فیلمساز می تواند برای نور مورد نظر در صحنه، از انواع پروژکتورها و نورپردازها استفاده کند.

مقدار، میزان و جهت نور توسط نورپرداز و با هماهنگی کارگردان صورت می گیرد. توسط نور همه چیز مشاهده می شود، سایه می اندازد و سطح را نشان می دهد. در واقع هر چیزی را که بخواهیم دیده شود توسط نور انجام می دهیم.

## انواع نور:

✓ نور طبیعی (بهترین نور)

✓ نور مصنوعی یا پروژکتور

## ۱۰- صدا:



باید در نظر داشت که صدای سر صحنه ارجح است .

چون:

- ✓ اولاً فیلم یک درجه واقع گرایی بیشتری پیدا می کند،
  - ✓ ثانیاً بازیگر کارش را روان تر انجام می دهد.
  - ✓ ثالثاً فیلم از یک مرحله کار فنی بیشتر یعنی دوبله استفاده نمی کند.
- و همچنین از عوارض منفی دوبله مثل ناهمخوانی صدا و تصویر نجات می یابد.

## ۱۱- موسیقی (music) :



موسیقی فیلم مکمل تصویر، در فرایند انتقال پیام است.

موسیقی فیلم قادر است احساس جدید در مخاطب ایجاد کند و در جهت روایت داستان فیلم به کار گرفته شود.

موسیقی فیلم حس بازیگران و فضای حاکم بر فیلم را برای مخاطب تعریف می کند.

ایجاد فضای کمیک، رعب و وحشت و یا رمانتیک بدون به کارگیری کلام و گفتار توسط

بازیگران، از طریق به کارگیری موسیقی مناسب امکان پذیر است.

موسیقی باعث زنده شدن و روح دادن به مخاطب می شود. به بیننده حس غم، شادی و ...

می دهد.

در واقع موسیقی مکمل تصویر است.



## ۱۲- گفت و گو ها ( dialogues ) :



دیالوگ ها بیان مستقیم پیام های پیدا و پنهان فیلم از طریق بازیگران و یا صدای روی تصویر است.

## ۱۳- جلوه های صوتی ( sound effects ) :



جلوه های صوتی در یک فیلم مکمل موسیقی هستند. انتقال فضای ذهنی به مخاطب برعهده جلوه های صوتی فیلم است.

صدای سوت قطار و حرکت بر روی ریل راه آهن، تداعی گر نزدیکی فضای فیزیکی به ریل راه

آهن است و صدای پیچ یک پزشک به اطلاق عمل، تداعی گر واقع شدن یک فضای بسته در

بیمارستان است.

## ۱۴- صدابرداری و صداگذاری:



یکی از مهمترین مراحل تولید یک فیلم صدا برداری است.

صدابرداری هم می تواند سر صحنه و یا پس از تولید فیلم، در فضای استودیو انجام گیرد. در این مرحله از تولید فیلم، اگر صدابرداری سرصحنه انجام شده باشد، مرحله میکس صدا تلفیقی از صدای صحنه، دیالوگ ها با صدای اصلی بازیگران و جلوه های صوتی فضای فیلمبردار انجام می گیرد و چنانچه دیالوگ ها نیاز به دوبله داشته باشد، صداگذاری از طریق میکس صداها ضبط شده داخل استودیو، موسیقی فیلم و جلوه های صوتی، انجام می پذیرد.

### دو نوع صدابرداری داریم:

✓ صدابرداری سر صحنه: واقع گرایی بیشتر / آرامش بیشتر بازیگر / طبیعی بودن فیلم /

بهترین نوع صدابرداری، صدابرداری سر صحنه است / مشکلاتی که در زمان دوبله گاهاً

رخ می دهد وجود ندارد.

✓ دوبله

## ۱۵- جلوه های ویژه (special effects):

جلوه های ویژه در صنعت فیلم سازی به تصاویری گفته می شود که در زمان ساخت فیلم، ساخت آنها مشکل باشد. این صحنه ها به صورت واقعی کار می شوند و همه آنها توسط بدل کاران، هنرمندان، فیلمبرداران و تعدادی متخصصان مواد منفجره و ماکت سازی اجرا شده و با خود دوربین ها ضبط می شوند و بعضی از آن ها بعد از ضبط کار می شوند. صحنه هایی در بعضی از فیلم ها وجود دارد که بازیگر اصلی نمی تواند آن را انجام دهد.

### جلوه ویژه دو مدل است:

✓ سر صحنه

✓ پس تولید



## ۱۶- جلوه های مجازی:



افکت هایی است که در آن لحظه بازیگران نمی توانند اجرا

کنند و از طریق کامپیوتر صورت می گیرد. برای مثال اگر کارگردان شکل خاصی از ابر در آسمان را در نظر داشته باشد اما آن شکل در دسترس نباشد از جلوه های مجازی استفاده کرده و با رایانه شکل دلخواه را وارد آسمان تصویربرداری شده می کنند. اما مثلاً تصادفات و اکثر انفجارات را توسط جلوه های ویژه با رعایت نکات ایمنی و علمی واقعاً انجام می دهند.

## مراحل سه گانه تولید:

✓ پیش تولید: در این مرحله کلیه کارها اعم از انتخاب فیلمنامه، بازیگران، کارگردان، پیدا نمودن مکان، بودجه بندی و ... که توسط تهیه کننده صورت می گیرد، انجام می شود.

✓ تولید و اجرای فیلم

✓ پس تولید: که گاهی بیشتر از پیش تولید زمان می برد و

کارهایی نظیر مونتاز، جلوه های ویژه، ساخت موسیقی، صدا

و... در نهایت با انتقال فیلم بر روی ویدئو یا لوح فشرده به

پایان می رسد.



## ❖ سواد رسانه ای



### تاریخچه سواد رسانه ای:

اولین بار مارشال مک لوهان سواد رسانه ای را مطرح کرد. (گسترش ابعاد وجودی انسانی) با توجه به مراحل تکوین ارتباطات (عصر شفاهی: حس شنوایی، عصر چاپ: حس بینایی و عصر الکترونیک: حس بینایی و شنوایی) در این دوره جدید که عصر اینترنت است هم ارتباط چهره به چهره است هم چاپی و هم بصری و موضوع دهکده جهانی مطرح می شود.

در حال حاضر ایمیل و ارتباطات الکترونیکی راه های ارتباطی را آسان کرده اند و همه براحتی می توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. پس اکنون گسترش ابعاد وجودی انسانی و کامل شدن انسان رخ داده است. تکامل انسانی و تکامل ارتباطی با هم رخ داده است.

کانادا اولین کشوری است که درباره سواد رسانه ای در مدارس اطلاع رسانی کرده است. و در ایران از لحاظ سواد رسانه ای ضعیف عمل کرده است.

### **راهکارها:**

آموزش کودکان از ابتدا لازم است. به طور مثال دیدن برخی سریال ها و فیلم ها برای کودکان ممنوع است. باید به والدین آموزش داده شود تا از دوران کودکی به فرزندان خود سواد رسانه ای را یاد دهند تا در بزرگسالی آگاهی های لازم را کسب نموده باشند.

## ❖ سواد رسانه ای:

سواد رسانه ای همانند یک رژیم غذایی است. در یک رژیم غذایی فرد هر آنچه را که برایش مفید است انتخاب کرده و به میزان مناسب با ظرفیت خود می خورد. همچنین میزبان طبق اهداف خود میز را تدارک می بیند.

بنابراین می توانیم سواد رسانه ای را اینگونه تعریف کنیم: «هر رسانه ای با اهداف مورد نظر خود برنامه های خاص خود را برای مخاطب خود فراهم می سازد و رسانه با ایدئولوژی، اهداف، سیاستها و نوع جامعه ای که در آن فعالیت می کند و خط مشی خود یکسری برنامه ها را می سازد. از طرفی مخاطب با توجه به نگرش، ارزشها، باورها، سلیقه، سن، جنس، تحصیلات، فرهنگ و ... برنامه را انتخاب می کند که در واقع مواجهه، توجه، درک و نگهداشت گزینشی دارد».

سواد رسانه ای یعنی نگاهی دقیق، نقادانه و تحلیلی به کلیه وسایل ارتباط جمعی و توجه به

تأثیرات آنها.

## ❖ سواد رسانه ای از منظر تامن

بر اساس نظر الیزابت تامن (Elizabeth Thoman) و همکارانش، سواد رسانه ای مانند

فیلتری داوری کننده عمل می کند؛ چنان که جهان متراکم از پیام، از لایه های فیلتر سواد

رسانه ای عبور می کند تا شکل مواجهه با پیام معنادار شود.

پیام رسانه ای در سه لایه عمل می کند:

### لایه اول:

اهمیت برنامه ریزی شخصی در نحوه استفاده از رسانه ها.

مخاطب توجه بیشتری به انتخاب و تماشای انواع مختلف برنامه ها دارد و به صورت شخصی

به استفاده از تلویزیون، ویدئو، بازی های الکترونیکی، فیلم ها و دیگر رسانه ها

می پردازد و میزان مصرف را کاهش می دهد.



## لایه دوم :

در این سطح، مخاطب به جنبه های نا محسوس تر رسانه ای توجه می کند و به پرسش ها و موضوع های عمیقی مانند:

✓ چه کسی پیام های رسانه ای را می سازد؟

✓ چه هدفی با فرستادن پیام دنبال میشود؟

✓ چه کسی از ارسال پیام سود می برد و چه کسی ضرر می کند؟

✓ و ... می پردازد.

## لایه سوم :

این لایه مهارت های لازم برای تماشای انتقادی رسانه هاست.

با این مهارت ها، مخاطب به تجزیه و تحلیل و پرسش درباره چارچوب ساخت پیام و

جنبه های جا افتاده در آن می پردازد.

## ❖ دلایل روی آوری انسان به هنر:

✓ فطرت انسان: فطرت انسان زیباست و زیبایی را دوست دارد.

✓ رسایی: یعنی هنر چیز سخت و پیچیده ای نیست و به راحتی می توان آن را درک کرد.

✓ جهانی بودن: با وجود تفاوت فرهنگ ها و زبان های متعدد در جهان، این هنر است که در همه ی جهان ملموس و قابل فهم است و در حقیقت هنر زبان مشترک تمام انسانهاست.

✓ ماندگاری: به دلایلی که در موارد فوق اشاره شد می توان گفت هنر ماندگار است.

✓ سرعت انتقال پیام در هنر: دلایلی که در بالا بدانها اشاره شد با هم همپوشانی دارند و هر کدام جداگانه نمی توانند دلیل این امر باشند.

## ❖ تأثیرات صنعتی شدن بر هنر:

### یکسان سازی مخاطبان :

صنعتی شدن به دلیل آنکه به تولید کالاهای یکسان و در نتیجه به تولید کالایی فرهنگ و هنر تمایل دارد، با تولید یکسان آثار هنری، سلیق و ذائقه های هنری را به یکدیگر نزدیک می سازد و بدین سان تفاوت های بین فردی و فرهنگ های مختلف را به سوی یک فرهنگ که همان فرهنگ کارایی و صنعت باشد نزدیک می سازد.

### انبوه سازی هنر:

دو عامل به عنوان پیش شرط های ضروری تولید انبوه صنعتی شناخته شده است:

✓ اول: ساخت قطعات استاندارد شده و قابل تعویض

✓ دوم: سوار کردن این قطعات با نیروی نسبتاً کم. همین روش با هنر برای مصرف مختصر

تغییراتی در تولید انبوه هنر نیز به کار گرفته می شود.

عموم نیاز به ساده سازی دارد و تولید انبوه آن نیز نیاز به دستیابی به فرمول ساده شده ای برای ساخت اثر دارد.

در تولید هنر توده ای پاره ای خطوط مشخص و معروف وجود دارد که محبوبیت شان در گذشته به اثبات رسیده است و استفاده آنها در هر داستان بلند، رقص و آواز حتمی به نظر می رسد. رسانه های همگانی برای راضی نگه داشتن توده ناهمگن مخاطبانشان همواره در پی همین فرمول های ثابت ساخت اثر هستند که می تواند همه را راضی نگه دارد. از این رو رسانه ها در جهت همسان سازی ساخت اثر و آثار کلیشه ای به دنبال ذوق بین المللی و زیباشناسانه مشترک مخاطبان می گردند.

ازسویی ساختار جامعه صنعتی جدید و نظم ماشینی زندگی شهری، انطباق اجتناب ناپذیر اما عمدتاً غیرارادی و ناآگاهانه فرد با شکل های مشترک رفتار را ایجاد می کند. (توده ناهمگن اجتماع شهری در پی سازماندهی درونی خود و ایجاد نظم پویا به دنبال تعلقات مشترک و در نتیجه زیباشناسی مشترک و همسان هستند و مطبوعات، رادیو، سینما، پوسترها و انواع آگهی های بازرگانی این تعلقات مشترک را تشدید می کنند. جریان جهانی شدن زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که همسانی مصرف کالاها و تفکرات بدون مرز را ترویج می کنند نیز در دوران معاصر موجب همسانی ذوق زیباشناسانه و تفاهم قراردادی گردیده است.

## ❖ گمنامی هنرمند صنعتی:

هنرمند صنعتی ضرورتاً بخشی از تیمی است که با دیگر اعضای تیم روابط درونی دارد و برای تولید محصول نهایی همکاری می کند.

هنرمند هرگز در انزوا کار نمی کند. او خلاقیت خود را با خلاقیت دیگر اعضای تیم می آمیزد و در خدمت تولید نهایی قرار می دهد. نام او بر محصول به چشم نمی خورد.

او بی چهره و بی نام است و در واقع یک کارگر یدی، مُطلع و حساس است با علاقه ای به ماشین ها و تمامی گونه های مواد، همچنین علاقه ای به جامعه شناسی و سیاستگذاری معاصر.

هنرمند صنعتی، فرد خلاق است فراتر از فردی که در رشته خاصی نظیر رنگ روغن یا گرافیک به تبحر رسیده است. او یک یکپارچه کننده است. به این معنا که پس از تجزیه و تحلیل عناصر توسط تیم، قادر به نزدیک کردن اشیا به یکدیگر است.

## ❖ سرگرمی شدن هنر:

هنر همواره برای مردم سرگرم کننده بوده است. مثلاً هنر قومی، چیزی بیش از نمایش و آرایش و هنر فولکلور، مجموعه ای از شوخی های زننده، هجو و هزل است.

## هاووزر معتقد است :

هنر مردمی امروز به معنای دوگانه هنر توده ای است:

- ✓ اول سرگرمی واحدی را در اختیار قشر های عامه می گذارد.
- ✓ دوم محصولاتی هم شکل به مقیاس کلان تولید می کند.

اوقات فراغت مفهوم جدیدی است که سابقه آن به پیدایش و گسترش جوامع صنعتی می رسد. با از بین رفتن رابطه مستقیم تولید کننده با محصول تولیدی خود در جریان ماشینی شدن نظام کار، به تعبیر مارکس، فرد از محصول خود بیگانه می گردد و دیگر کارکردن بخشی از عواطف، روحیات و تعبیر می شود. به این ترتیب «انسان زدایی از کار» استعدادهای او را در بر نمی گیرد.

از این جریان به فرد به فعالیت هایی می پردازد که عواطف و روحیات او را در برگیرند. این فعالیت ها در قالب برنامه های تفریحی، ورزشی و هنری انجام می شود که اوقات فراغت نامیده می شوند.

در تقسیم کار منظم و ساعتی کارخانه ها و سازمان ها، فرد می تواند به طور برنامه ریزی شده به تفریح بپردازد.

بنابراین فعالیت هنری تبدیل به بخشی از برنامه روزانه عامه مردم می گردد و آثار هنری به عنوان کالای روزانه به مصرف عمومی می رسند.

خوانندگان مجله ها و کتاب های عشقی، ترسناک و کارآگاهی، بینندگان تلویزیون، علاقمندان نمایشگاه ها و گالری های نقاشی، شنوندگان موسیقی از رادیو و ... همه نمونه های استفاده عمومی از هنر به عنوان سرگرمی می باشد. صنعت سرگرم سازی بیش از هر چیز تأکید بر اوقات فراغت بودن آن دارد.

## ❖ همگانی شدن هنر:

تحولات صنعتی و گسترش شهرنشینی، مهاجرت روستاییان به شهرها و پیدایش توده شهری زمینه همگانی شدن فرهنگ و هنر را فراهم نمود. فراگیر شدن شیوه زندگی شهری به عنوان شیوه غالب به واسطه تولید انبوه کالاها و مصرف همگانی آن ممکن شد و لازمه این جریان، انبوه شدگی جمعیت در شهرها و مراکز صنعتی بوده است.

تخصصی شدن تولید از یک سو و توده ای شدن مخاطبان هنر از سوی دیگر، منجر به تجاری شدن هر چه بیشتر هنر گردید و اثر هنری همچون کالا به بازار اقتصادی و عرصه معاملات وارد گردید.

ماشینی شدن کار هنر، رابطه یگانه هنرمند با اثر هنری را از بین می برد و منجر به عاری شدن اثر از روح، معنویت و حتی هویت مستقل می گردد. هنر در این شیوه به مقیاس وسیع همچون کالا در بازار اقتصادی هنرتولید می گردد.



## ❖ ارتباط هنر با رسانه:

هنر از دو بُعد زیبا شناختی و فنی قابل تعریف است:

✓ در معنای زیباشناختی به مجموعه ای از آثار یا فرآیندهای انسان ساخته گفته می شود که

از جهت اثرگذاری بر عواطف، احساسات و هوش انسانی و یا به منظور انتقال یک معنا یا

مفهوم خلق می شود؛

✓ اما در معنای فنی آن، هنر را در کاربرد تکنیکی آن به مفهوم آشنایی یا تسلط فرد به

فوت و فن یا مهارت داشتن در یک زمینه مشخص تعریف شده است.

## ❖ تفاوت زبان هنری و زبان ساده:

زبان پدیده ای اجتماعی و بین فردی است که برای استفاده از آن باید دستکم دو طرف وجود داشته باشد و در آن تعدادی نشانه براساس قواعد نشانه گذاری و نشانه برداری مشترک استفاده کنند اما در زبان هنری دغدغه هنرمند این است که مخاطب به درک بسیار گسترده تر معنای وسیعتری از موضوع مورد نظر برسد.

بنابراین اگر هنر پیامی منتقل می کند این پیام از طریق زبان هنری و نشانه های آن است که به مخاطب یک هنر منتقل می شود. زبان هنری مانند زبان ساده از هر فرهنگ به فرهنگ دیگر با تفاوت هایی مواجه است و آثار هنری بسته به فرهنگ های متفاوت نمادها و نشانه های متفاوتی دارند و با این وجود بسیاری از نشانه ها بر اساس وجود مشترک زندگی انسانی کمابیش در اکثر فرهنگ ها یکسان هستند.

و من ... التوفیق